

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

بهنام قدیمی
۲۴ جون ۲۰۱۹

بخشی از سخنرانی "بهنام قدیمی" در سیمینار اوضاع سیاسی افغانستان با رفقای اتحاد سوسیالیستی کارگری

اوضاع افغانستان از لحاظ سیاسی، نظامی و اجتماعی نهایت متشنج است. روابط ارگ و کاخ سفید چه پیرامون پروژه صلح با طالبان و چه در مورد حکومت داری رو به وخامت نهاده است. در اکثر نقاط افغانستان جنگ هر روز بیش از پیش شعله ور شده شهرستان ها پی هم بین نیروی های دولتی و طالبان و داعش دست به دست می شوند؛ طالبان و نیروهای تروریستی هنگام پیروزی و جنگ سربازان ارتش و پولیس را سر می بُرنند. از طرف دیگر روزانه جوانان دانش آموخته و کم سواد به درب مکان های جلب و جذب ارتش و پولیس از نبود کار و جبر اقتصادی صف می کشند تا جای خالی سربازان جان باخته را پر کنند، تمام سربازان نیروی های امنیتی از طبقات فرودست جامعه اند که به خاطر مزد ناچیزی ماهانه ۱۳۰ دالر امریکائی در یک جنگ نا معلوم و ارتجاعی تن به نیستی می دهند.

گروه های تروریستی در ساحات تحت حاکمیت شان آدم می کشند، بر زنان و شخصیت آنان تجاوز می کنند قوانین و فرامین فرسوده خود را بالای شهروندان عملی می کنند، موج انفجار ها و نا امنی و بد امنی سیر صعودی دارد. از مجموع نفوس سی و چند میلیونی افغانستان بالاتر از ۱۳ میلیون به اذعان معاونیت دوم ریاست جمهوری بیکار است. آمار اعتیاد به هیروئین و چرس از مرز پنج میلیون گذشته است؛ قیمت بلند مواد غذایی؛ سوخت، پوشاک، کرایه خانه و ضروریات منازل صدها هزار خانواده را از دسترسی به ابتدائی ترین حقوق زندگی محروم ساخته است؛ کودکان، جوانان، زنان و سال خوردگان در جاده ها مشغول گدائی اند؛ روزانه ده ها هزار کودک شکم خود و خانواده هایشان را از روی آشغال ها سیر می کنند؛ با شیوع فقر گسترده، بیکاری مزمن و اعتیاد در نظام سرمایه داری افغانستان که ضعیف ترین حلقه نظام سرمایه داری است، فضاء برای شیوع فحشاء و "لذت" بردن اوباش سرمایه از وجود پسران، زنان و دختران طبقات پائین جامعه بیشتر از هر زمانی مساعد گشته است؛ خانواده ها و افرادی که توان پولی دارند از راه های مختلف در حال فرار اند؛ ادارات پاسپورت از بام تا شام پاسپورت توزیع می کنند؛ در هجوم موج عظیمی از پناهندگان به اروپا در کنار پناهجویان سوریه ئی، عراقی، یمنی و لیبیائی درصد بلندی از آن ها را پناهجویان افغان تشکیل می دهد.

اما در یک چنین اوضاع خونین و فقر زده واحد های سرمایه، قاچاقچیان مواد مخدر، غاصبان زمین، آدم ربایان، رشوه خوران و اختلاس گران به استثمار، قاچاق، غصب زمین، آدم ربائی و فساد اداری، بیشتر از پیش ادامه می دهند.

حکومت وحدت ملی که چیزی نیست به جز کمیته به غایت بی کفایت، نامشروع و دست نشانده و وامانده در اوضاع کنونی، دستگاه پوشالی است که در یک دوره قریب پنج ساله خود نتوانسته به وعده هایش چون: تأمین امنیت، قطع فساد اداری، زمینه تهیه نان و کار برای مردم، قطع تولید و قاچاق مواد مخدر، اندکترین کاری انجام دهد؛ نفرت و انزجار مردم در تمام اقشار علیه این حکومت بالا گرفته است.

انتخابات پارلمانی به دور از شفافیت توأم با تخلف، تخطی و جرایم انتخاباتی از سوی مجریان انتخابات در کمیسیون های انتخاباتی به دیکته حکومت دو سره وحدت ملی برگزار و بعد از شش ماه با رسوائی تمام اعلام شد.

انتخابات پیش روی ریاست جمهوری و انتخابات پارلمانی ولایت غزنی در هاله ابهام با تبدیل کمیشنران کمیسیون های انتخاباتی و تعدیل قانون انتخابات بین حکومت، کمیسیون انتخابات و دفتر سیاسی ملل متحد و سفارت امریکا به سر می برد.

وضعیت طبقه کارگر:

بعد از یازده سپتمبر اوضاع در افغانستان به گونه ای شد که با هجوم بیش از چهل دولت سرمایه داری به کشور مناسبات تولیدی سرمایه داری نیز در رکاب نیروهای نظامی این کشورها به افغانستان کوچ کرد و بیش از گذشته مسلط گردید. با تصویب قانون اساسی، و تصویب و تعدیل مجموع قوانین عادی تمام روبناها هم یکسره به نفع شیوه تولید سرمایه داری پیش رفت. حتی در همان دوره های موقت و انتقالی حکومت کرزی به سرکردگی امریکا و ناتو پلان های وزارت زراعت، اقتصاد، تجارت، معادن، معارف، مالیه، صحت عامه و دیگر بخش ها همه اقتصاد بسته و طبیعی را هرچه بیشتر زیر سوال برد و تا آخرین پایگاهش یعنی روستاها تعقیب کرد و یکسره به زانو در آورده جایش را به اقتصاد بازار آزاد داد. در این دو دهه اخیر بیش از دو میلیون کارگر در بخش های ساختمانی، راهسازی، معادن، شرکت های تولیدی، زراعت، حمل و نقل، مارکیت ها، پروژه های معارف، صحت، آب و برق، نیروی های خارجی، سروی، پروسس میوه، شرکت های چاپ و نشر، در پروژه های امنیتی ارتش، پولیس، امنیت، تحصیلات عالی، شهرک ها، پارک های صنعتی، فارم ها، در معادن ذغال، نمک، سنگ های قیمتی و معمولی، حفر چاه ها، داش های خشت، کاشی کاری، بند و بست جنراتور های برق و بخش های دیگر روزانه و ماهانه در قرار داد های مختلف به صورت کارگران مولد و غیر مولد نیروی کار می فروشند، هر روزه تعدادی بیشتر از دهقانان با ترک روستاها به شهر ها روی می آورند در سی و چهار شهر بزرگ، و در بیش از ۳۶۰ شهر ولسوالی ها هر صبح به هزاران کارگر در چهار راه ها آماده فروش نیروی کار خویش اند، جالب تر از همه اقشار جامعه از دست فروش تا کراچی گردان و تکی رانها و از جوانان دانش آموخته تا حرکت های زنان و پیشا پیش آن طبقه کارگر افغانستان بر این وضعیت سخت اعتراض دارند.

اوضاع افغانستان بی تردید شبیه به اوضاعی پیش از انقلاب است. اما آنچه از این صحنه غایب است و بناءً این نارضایتی ها تحول مثبتی را در پی نخواهد داشت تشکل سیاسی طبقه کارگر است.

در صورت ادغام سیاسی طالبان در پروسه سیاسی استفاده بیشتر را نیروهای هار مذهبی و سرمایه دارن خواهند برد؛ حال آن که بر نیروی تاریخ ساز طبقه کارگر و حزب رهنمای این طبقه و اقشار زحمتکش است که می بایست رسالت خود را در این اوضاع انجام دهند.

اما مسأله این است که چه باید کرد؟ آیا با پند نگرفتن از اشتباهات زنده سال های ۱۳۵۸ و ۱۳۵۹ یکبار دیگر عامی شده به دنبال حرکت های عام تحت رهبری ارتجاع رفت، یا کار اساسی یعنی ارتقا سطح آگاهی و سازماندهی طبقه

کارگر و زحمتکش را پیش گرفت، برای نجات از استبداد طالبان، داعشیان، استثمار سرمایه و اوضاع غیر انسانی، که این ارادل و اوباش به میان آورده تنها طبقه کارگر و سوسیالیسم کارگری است که راه را به جانی می برد.



در پراتیک بار ها ثابت شده است که افراد، سازمان ها و محافلی که با نیت " پاک "به دنبال جنبش های خود به خودی رفته و یا به صفت سپاهیان افراد مسلح، خون و عرق ارتجاعی ریخته اند؛ در نتیجه به مثابه چیزی اضافی به بیرون پرتاب شده اند .اما جنبش های کوچک کارگری با محکم به دست گرفتن وظایف اساسی خویش در سطح جنبش های بزرگ تاریخ ساز تکامل نموده اند .در اخیر این را اضافه کنم که ساحت کار برای کمونیست ها به خصوص کار دموکراتیک یعنی کار سیاسی و آزادیخواهانه، در افغانستان استثمار زده و استبداد خونین طالبان و داعشیان، خلاف ایران و یک تعداد کشور های منطقه بسا

وسیع است .طبقه کارگر، دهقانان فقیر، زحمتکش شهر، زنان ضد مردسالاری و جوانان معترض به اوضاع کنونی، پایگاه اجتماعی برای کار دموکراتیک کارگری است که می باید پرچمش را بر افراشت.